



دانشگاه گیلان

پردیس دانشگاهی

پایان نامه کارشناسی ارشد روابط بین الملل

« ارزیابی نقش قوه مقننه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران »

دانشجو:

سید محمد اسحاقی کلوری

استاد راهنما:

دکتر ارسالان قربانی شیخ نشین

استاد مشاور :

دکتر احمد جانسیز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پر ديس دانشگاهی

گروه علوم سیاسی

گرایش روابط بین الملل

« ارزیابی نقش قوه مقننه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران »

دانشجو:

سید محمد اسحاقی کلوری

استاد راهنما:

دکتر ارسالان قربانی شیخ نشین

استاد مشاور :

دکتر احمد جانسیز

دی ماه ۱۳۹۲

این مختصراً اگر ارزشی هست، در کمال ادب و احترام آنرا تقدیم می‌کنم به:

پدر و مادر بزرگوار و دلسوزم

که، همواره خورشید وجودشان چراغ راه زندگیم بوده است.

همسرو فادار، صبورو مهربانم

که آفتاب مهربانیش، همواره در کام زندگیم مستدام باد.

گل‌های بوستان عمرم

عباس مهربان و، مستی‌نازنینم.

ودیار پر آوازه ام‌تالش

تقدیر و سپاس

حمد و سپاس بی قیاس و بی حد و انتها ملک العرش را سزا است. آنکه صفات و اسماء او در وصف ننگند. آنکه خوان الطاف و رحمت بیکرانش بر همه موجودات عالم گسترده است و باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده. آنکه صفات مذکور قطره ای از دریای بیکران صفات و صف نامذیروی است و زبان آدمی قاصر از بیان آن.

باشکرو سپاس فراوان از استاد راهنمای گرامی جناب آقای دکتر ارسلان قربانی شیخ نشین، که دلسوزانه و صادقانه در تمامی مراحل پژوهش مرا یاری نمودند و باشکرو سپاس فراوان از استاد مشاور گرامی جناب آقای دکتر احمد جانسیر، که در به ثمر رسیدن این پروژه مرایاری فرمودند.

بر خود می بینم از کلیه اساتید و معلمان دلسوز خود، از مدرسه تا دانشگاه که در طول دوران تحصیل از محضر آنان درها آموخته ام پاسکزاری نمایم.

چکیده:

نهاد قوه مقننه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر سه رکن استوار شده است: مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام. مجلس شورای اسلامی دو کار ویژه بنیادین دارد که از یک سو به قانونگذاری می پردازد و از دیگر سو امر نظارت بر ساختار قدرت را منتظم می سازد. هنگامی که از چابکی و چگونگی ایفای نقش مجلس شورای اسلامی در روابط خارجی ایران سخن به میان می آید از یک سو، می بایست میان دو مقوله سیاست خارجی و روابط خارجی قائل به تفکیک شد؛ از دیگر سو، می توان سویه های سه گانه تصمیم را - به عنوان مهم ترین و عینی ترین برون داد در عرصه مناسبات فراتر از مرزهای یک کشور - به تصمیم سازی، تصمیم گیری و تصمیم پذیری تفکیک نمود. به طور کلی به نظر می رسد در محیط بین المللی، جمهوری اسلامی ایران از یک سو، صاحب روابط خارجی و نه سیاست خارجی است؛ و از سویی دیگر، بیشتر به پذیرش تصمیم سازی ها و تصمیم گیری های دیگران می پردازد و خود کمتر قادر به پردازش حالت فعالانه و تهاجمی در عرصه مناسبات خارجی است. همین ویژگی عمومی در نظام حقوق اساسی ایران سبب ساز پیدایش نقش و جایگاهی منفعلانه، غیر تهاجمی، پذیرنده، بی کارکرد و نابرابر برای مجلس شورای اسلامی در عرصه روابط خارجی ایران گشته است. مجلس شورای اسلامی به دلیل ماهیت پیچیده و غامض روابط خارجی که با مؤلفه های امنیتی گره خورده، نتوانسته است از نقش عامه گرایانه خود عدول کند و با تأثیر گذاری خاص گرایانه نقشی سرنوشت ساز در عرصه اخذ تصمیم در روابط خارجی به دست آورد. مجلس شورای اسلامی ماهیتاً نقشی نفوذ پذیر و تصمیم پذیر یافته و به توجیه، تأیید، تصویب، تأخیر و تسریع تصمیم های دیگر نهادها می پردازد.

کلمات کلیدی

مجلس شورای اسلامی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی، تفکیک قوا

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات تحقیق	۲
۱-۱- بیان مساله	۲
۲-۱- سوالات تحقیق	۳
۳-۱- فرضیه های تحقیق	۳
۴-۱- متغیرهای تحقیق	۳
۵-۱- اهداف تحقیق	۳
۶-۱- روش تحقیق	۴
۷-۱- روش گردآوری اطلاعات	۴
۸-۱- سابقه و ضرورت انجام تحقیق	۵
۹-۱- واژگان کلیدی	۷
۱۰-۱- محدودیتها و تنگناهای تحقیق	۹
۱۱-۱- سازماندهی تحقیق	۹

فصل دوم: چارچوب نظری تحقیق	۱۰
۱-۲- مفهوم تفکیک قوا	۱۱
۲-۱-۲- سیری در تحول مفهوم تفکیک قوا	۱۴
۳-۱-۲- مفهوم تفکیک قوا در نظریه ولایت فقیه	۱۸
۲-۲- سیر طرح نظریه تفکیک قوا	۲۴
۳-۲- اهمیت تفکیک قوا	۲۷
۴-۲- انواع تفکیک قوا	۲۸
۵-۲- انواع نظام های مبتنی بر تفکیک قوا	۳۰
۶-۲- تفکیک قوا در ایران	۳۲
۶-۲-۱- نهضت مشروطه، آغاز طرح نظریه تفکیک قوا	۳۲
۶-۲-۲- استقلال قوا در مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی	۳۹
۶-۲-۳- استقلال قوا در مشروح مذاکرات شورای بازنگری در قانون اساسی	۴۱
۷-۲- جمع بندی فصل دوم	۴۱
فصل سوم: بررسی جایگاه و وظایف قوه مقننه در جمهوری اسلامی ایران	۴۳
۱-۱- نقش قوه مقننه در سیستم قانون گذاری	۴۴
۲-۳- کارکردهای اصلی قوه مقننه	۴۴

۴۸	۳-۳- قلمرو، صلاحیت، فضا و اراده سیاسی قوه مقننه
۵۰	۳-۴- قوه مقننه در قانون اساسی ایران
۶۱	۳-۵- مشکلات جاری فراروی قوه مقننه
۶۳	۳-۵- جمع بندی فصل سوم
۶۵	فصل چهارم: بررسی نقش قوه مقننه در سیاست خارجی ایران
۶۶	۴-۱- ساختار تصمیم گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
۷۲	۴-۲- نقش قوه مقننه در سیاست خارجی
۸۵	۴-۳- جمع بندی فصل چهارم
۸۶	نتیجه گیری
۸۹	منابع

فصل اول

کلیات تحقیق

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱- بیان مساله

قوه مقننه در جوامع مختلف نقش موثر و مهمی در ایجاد دموکراسی پایدار ایفا می‌کند و یکی از ضروری‌ترین پایه‌های دموکراسی بشمار می‌رود. جوامع دمکراتیک نیاز به مکانی دارند تا نمایندگان اجتماعات مختلف با گردهم آمدن در آن ارتباط و پیوندی نزدیک با توده مردم داشته باشند. همچنین این نهادها باید توانایی تصویب قوانین خوب و قابل اجرا را داشته باشند تا مشارکت مردم را در امور سرعت بخشند. کارکردهای قوه مقننه با توجه به ساختار سیستم سیاسی، نظام انتخابات و نظام حزبی در هر کشوری متفاوت می‌باشد. در برخی کشورها ساختار قوه مقننه ماهیتی کارکردی، غیر کارکردی، نظارتی و یا ... دارد. بطور عام قوه مقننه بر قوه مجریه نظارت دارد و این نظارت به شیوه‌های مختلف و با کارکردهای متفاوت اعمال می‌گردد. هدف از نوشتار این است که ظرفیت و توانایی قوه مقننه در قانون‌گذاری و نظارت افزایش یابد و لذا به نقش قوه مقننه و سیستم قانون‌گذاری در حکومت‌داری خوب پرداخته می‌شود.

در باب تاثیر قوه مقننه در تصمیم‌سازی و یا تصمیم‌گیری سیاست خارجی، می‌توان از سه رهیافت، نظری حقوقی، تاریخی نام برد. البته، در رهیافت نظری دو موضوع ماهیت شناخت و ماهیت روش موجب بروز خرده رویکردهایی خاص می‌شود. در رهیافت حقوقی جایگاه تصمیم‌گیری سیاسی به وضوح یا به تلویح در قانون اساسی تعریف شده است. در روش حقوقی معمولاً از دو مدل ریاستی و یا پارلمانی سخن به میان می‌آید. قانون اساسی در کشور به طریقی جایگاه و نقش مقننه را در سیاست خارجی تعیین کرده است. در رهیافت نظری مباحث فلسفی و علمی گوناگون در خصوص چیستی، چگونگی و چرایی نقش مقننه در سیاست خارجی مطرح می‌شود. از لحاظ روشی سه سطح کلان، خرد و تلفیقی در رویکرد کشورها نسبت به سیاست

خارجی احصاء شده است. از لحاظ تاریخی دو قوه مقننه و مجریه کشورهای گوناگون گاه در همکاری و گاه در رقابت یکدیگر جهت گیری سیاست خارجی کشور را تحت تاثیر قرار می دهند.

۱-۲-سوالات تحقیق

سوال اصلی

نقش قوه مقننه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی چیست؟

سوالات فرعی

- ۱- جایگاه مجلس شورای اسلامی در سیاست خارجی از منظر نظری، حقوقی و تاریخی چگونه است؟
- ۲- مجلس شورای اسلامی چه میزان در طراحی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نقش ایفا نموده است؟

۱-۳-فرضیه های تحقیق

قوانین اساسی تعیین کننده ساختار تنظیم بخش یا مجموعه قوانین ترتیبات نهادی خاصی است که نقش قوه مقننه در سیاست خارجی را مشخص می کند به نظر می رسد قوه مقننه به ایجاد دموکراسی پایدار کمک کرده و به کامل کردن حقوق عمومی توسط دموکراتیک کردن فضا کمک می نماید.

۱-۴-متغیرهای تحقیق

متغیر مستقل: قوه مقننه

متغیر وابسته: جمهوری اسلامی ایران

۱-۵-اهداف تحقیق

الف) اهداف علمی

➤ بررسی جایگاه قوا در قانون اساسی ایران

➤ بررسی جایگاه قوه مقننه در نظام جمهوری اسلامی ایران

➤ بررسی نقش قوه مقننه در سیاست خارجی ایران

ب) اهداف کاربردی

الف) کمک به جامعه حقوقی و قضایی و آحاد مردم که دست اندرکاران قضایی را به دیده افراد مطمئن و آشنا به حقوق می بینند.

ب) کمک به دانشجویان و اساتید حقوق از جهت افزایش اطلاعات و همچنین ارائه یک منبع مستقل در موضوع مربوطه.

۱-۶-روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی می باشد.

۱-۷-روش گردآوری اطلاعات

از دو روش برای جمع آوری مطالب استفاده شده است.

الف) روش کتابخانه ای: از آنجا که کلیه دانش های بشری را می توان در کتاب و کتابخانه جستجو کرد، به جهت

جمع آوری اطلاعات، قبل از استفاده از هر ابزار دیگری از کتاب استفاده شده است.

ب) اینترنت: برای این که مطالب جمع آوری شده از طریق روش کتابخانه ای با مطالب روز تطبیق داده شود، از اینترنت

استفاده شده است. با مراجعه مستقیم به منابع موجود در کتابخانه و مطالعه کتب مختلف و مقالات، مطالب مورد نظر با فیش

برداری جمع آوری شده است و همچنین از شبکه های کامپیوتری نیز به عنوان ابزار گردآوری اطلاعات استفاده شده است.

۱-۸- سابقه و ضرورت انجام تحقیق

در پژوهش‌های قبلی کمتر به موضوع نقش قوه مقننه در سیاست خارجی ایران پرداخته شده است به نظر می‌رسد در این باره، تاحدودی خلأ وجود دارد هرچند تحقیقات و پژوهشهایی با موضوعات نزدیک به صورت ذیل انجام گرفته است:

۱. در مقاله‌ای با عنوان «توازن میان قوای مقننه و مجریه از بدو مشروطه تاکنون» که توسط دکتر سید محمد آذین نگاشته شده است؛ به قانون اساسی مشروطه - مصونیت پارلمانی - ضرورت پاسخگویی به مجلس - قانون اساسی جمهوری اسلامی پرداخته و چنین نتیجه می‌گیرد نظام حاکم بر ایران از بدو مشروطه تا پیروزی انقلاب ماهیتاً پارلمانی بوده است. پس از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی از همان سال ۵۸، با عنایت به اخذ ویژگی‌هایی از نظام ریاستی هم چون تعریف رکن ریاست جمهوری و انتخاب وی توسط مردم، نظام حاکم بر ایران نیمه ریاستی - نیمه پارلمانی شد. این وضعیت در جریان بازنگری هم دچار تغییر نگشت و حذف رکن نخست وزیری بر اقتدار رئیس جمهور در برابر مجلس نیفزود تا بتوان این اصلاحات را بیانگر ریاستی شدن نظام دانست. نگارنده در مقاله صدرالاشاره، جایگاه و نقش پارلمان را در روابط خارجی جمهوری اسلامی توضیح نمی‌دهد و فقط به دنبال تبیین جایگاه نهاد مذکور در ساختار قدرت نظام سیاسی حاکم می‌باشد.

۲. در کتاب «مرزهای تقنین و اجرا در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» که توسط مسلم آقایی نگاشته شده است، بیشتر به اصول مختلفی از قانون اساسی که ارتباط تنگاتنگی با مسأله روابط قوای مقننه و مجریه دارند پرداخته شده و در چهار بخش جایگاه تقنین و اجرا، زوایای مختلف مسأله تفکیک قوا مورد بررسی قرار گرفته است. کتاب مذکور بیشتر بر چگونگی مسأله تفکیک قوا در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران تأکید دارد.

۳. محمدحسن فردی در پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی ماهیت حقوقی - سیاسی جمهوری اسلامی ایران در پرتو نظامهای ریاستی - پارلمانی و مختلط» نقش قوه مقننه را در نظام جمهوری اسلامی با تأکید بر بُعد حقوقی بررسی می‌نماید و در تحقیق خود گریزی، هرچند مختصر بر نقش این قوه در مسائل خارجی، دارد.

۴. اسلام احمدی نیز در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «موقعیت حقوقی رئیس جمهور قبل و بعد از بازنگری قانون اساسی» به جایگاه و حدود اختیارات رئیس جمهور و وظایف آن در قانون اساسی قبل و بعد از بازنگری آن پرداخته و چنین نتیجه‌گیری نموده که بعد از بازنگری رئیس جمهور از اختیارات بسیاری در مسئولیت اجرائی خود برخوردار گردیده است. هر

چند وی در بخش هایی از تحقیق خود به روابط قوه قانونگذاری با ریاست جمهوری در زمینه روابط خارجی اشاره می کند ، اما بیشتر وی به بررسی اختیارات رئیس جمهور در این خصوص می پردازد.

۵. در یک پایان نامه کارشناسی ارشد با موضوع « بررسی ابزارهای تفوق قوه مقننه بر مجریه در مدل های تفکیک قوا و جایگاه آن در نظام حقوقی ایران » ، خانم سارا کریمی به مسئله تفکیک قوا و کنترل اعمال قوه مجریه توسط قوه مقننه را مورد بررسی قرار می دهد.

۶. در کتابی با عنوان « کلیات حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران » تألیف قاسم شعبانی ، به منابع حقوق اساسی و تاریخچه تدوین قانون اساسی ایران پرداخته و در بخش دوم حقوق اختصاصی (حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران) مورد مطالعه قرار می گیرد. نویسنده معتقد است نظامهای که بنحوی همکاری قوا را پذیرفته اند به نظامهای پارلمانی معروف می باشند. در این نظامها باید بین قوای سه گانه همکاری وجود داشته باشد . با آنکه وی نقش قوه مقننه را در ارتباط با سایر ارکان حکومت ایران تبیین می کند ولی اشاره ای به جایگاه آن در روابط با دیگر کشورها و مسائل بین المللی ، نمی کند.

۷. جمیز لیندسی ، در کتابی با عنوان « پایان یک دوره : کنگره و سیاست برون مرزی پس از جنگ سرد » ، به نقش نهاد قانونگذاری ایالات متحده آمریکا در پی ریزی سیاستهای خارجی این کشور پرداخته است. این کتاب ضمن بیان مبانی نظری دخالت قوه مقننه در نظامهای مردم سالار در امور خارجی یک کشور مصادیق بارز دخالت کنگره آمریکا را در سیاستهای خارجی این دولت معرفی و تحلیل می کند.

۸. در مقاله ای به قلم توماس مان ، با عنوان « مسأله توازن : رئیس جمهور ، کنگره و سیاست خارجی » میزان دخالتهای مجلس قانونگذاری ایالات متحده آمریکا در پی ریزی سیاست خارجی این کشور و تعارضات موجود با رویکردهای ریاست جمهوری آن تحلیل و بررسی نموده است.

۱-۹-واژگان کلیدی

قانون اساسی

در هر کشوری شالوده سیستم حکومت، چارچوب و اساس حقوقی آن محسوب شده و معمولاً جزئیات این سیستم در قانون اساسی متبلور می‌شود. (عمیدزنجانی، ۱۳۷۷، ۵۱) قواعدی که حاکم بر اساس حکومت و صلاحیت قوای مملکت و حقوق و آزادی‌های فردی است، از نظر ماهوی قانون اساسی نامیده شده و برتر از سایر قواعد حقوق دانسته شده‌اند. البته تشخیص قوانین عادی و اساسی همیشه با معیار ماهوی فوق ممکن نیست زیرا پاره‌ای از قواعد فرعی در زمره قوانین اساسی در می‌آید و احتمال دارد که یکی از قواعد مربوط به اساس حکومت در شمار قوانین عادی محسوب شود؛ پس مطمئن‌ترین نشانه قانون اساسی تشریفات مخصوص وضع آن است. (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ۱۲۲) بنابراین قانون اساسی مجموعه‌ای است که متضمن اصول و قواعد رفتاری یا سازمانی که در یک متن رسمی و تشریفاتی به وسیله مقامات صالح به تصویب رسیده و بر افراد، سازمان‌ها، متصدیان امور و قوانین عادی حاکم است. (قاضی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۳۶) همچنین برخلاف قانون عادی که دارای تشریفات مهمی نیست، قانون اساسی را به سادگی نمی‌توان تغییر داد و این امر یا پس از انقلاب و ایجاد تحولات بنیادی در حکومت‌ها رخ می‌دهد و یا در حالت عادی مستلزم انجام تشریفات زیادی است. بنابراین قانون اساسی به عنوان میثاق‌نامه ملت و حاکمیت، به لحاظ شکلی و ماهوی دارای شرایطی است. (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ۱۲۲)

مطابق با نص صریح قانون اساسی، تعیین سیاست‌های کلی نظام برعهده رهبری است یعنی تعیین آن جزء اصول قانون اساسی است ولی خود سیاست‌های کلی نظام را نمی‌توان قانون اساسی تلقی گردد چرا که تعیین آن‌ها با شرایط شکلی و ماهوی فوق سنخیتی ندارد. همچنین بر اساس دیدگاه رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، این سیاست‌ها نباید فوق قانون اساسی و حتی هم‌سنگ آن باشند ولی به هر حال قانون عادی اجازه نقض آن‌ها را ندارد. (مصاحبه علمی راهبرد با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۱، ۲۹-۳۰)

این در حالی است که برخی بر اساس تعریف ارائه شده در مورد سیاست‌ها معتقدند، دلیلی برای هم‌سان قرار دادن سیاست‌های کلی نظام با قانون مادر کشور وجود ندارد زیرا این سیاست‌ها پایین‌تر از قانون اساسی و بالاتر قانون عادی تعریف شده‌اند و به

عنوان راهنمای حرکت قوای سه‌گانه و سایر نیروهای مؤثر در جامعه به سمت اهداف و آرمانی و اصول قانون اساسی هستند و طبعاً در طول سلسله مراتب قانون‌گذاری و وضع مقررات قرار می‌گیرند. (انصاری، ۱۳۸۶، ۱۲۳) البته در مورد ضرورت انطباق سیاست‌های کلی نظام با اصول قانون اساسی، قانون اساسی هیچ ترتیب خاصی را پیش‌بینی نکرده و در این راستا با خلأ قانونی مواجه هستیم. (زارعی، ۱۳۸۳، ۳۳۳)

- سیاست خارجی

سیاست خارجی، یکی از شاخه‌های فرعی اما مهم رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است که موضوع اصلی آن بررسی رفتار خارجی دولت در عرصه جهانی می‌باشد. در واقع، نظریه سیاست خارجی به مطالعه چرایی و چگونگی رفتار دولت در خارج می‌پردازد. (حاجی یوسفی، ۱۳۷۴، ۷) سیاست خارجی عبارتست از یک استراتژی یا یک رشته اعمال از پیش طرح‌ریزی شده توسط تصمیم‌گیرندگان حکومتی که مقصود آن دستیابی به اهدافی معین، در چهارچوب منافع ملی و در محیط بین‌المللی است. (آشوری، ۱۳۵۴، ۲۷)

در بررسی اجمالی نظریه‌های کلان مربوط به سیاست خارجی می‌توان چند نکته مهم را استنباط کرد:

یک. سیاست خارجی به عنوان کنشی اجتماعی، پدیده‌ای بسیار پیچیده، چندلایه، متداخل و پویاست که در شکل‌گیری آن متغیرهای گوناگونی دخیل هستند. مؤلفه‌های دخیل گاه چنان گسترده هستند که اس‌اساً امکان‌ارایه هرگونه تحلیل علی و تعمی‌م‌پذیر از رفتار خارجی دولت‌ها را دشوار می‌نماید. دشواری‌ارایه تبیین علی و تجربی از سیاست خارجی، لزوماً ناشی از ناتوانی ماهوی و توسعه نیافتگی نظریه‌پردازی در علوم سیاسی نیست، بلکه ریشه در ماهیت پیچیده پدیده‌های اجتماعی، از جمله سیاست خارجی دارد.

۵. به‌رغم این همه دشواری، نظریه‌ها چارچوب مفهومی سودمندی برای فهم سیاست خارجی دولت‌ها هستند. همان‌گونه که والتز یادآور می‌شود، در پرتو چنین ابزارهای تحلیلی است که می‌توان به مطالعه روش‌مند سیاست خارجی پرداخت، به جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات مبادرت ورزید، بر اهمیت و اولویت فرضی بعضی متغیرها اصرار کرد، برخی از آنها را حذف نمود و یا نادیده گرفت و در نهایت، تحلیلی قاعده‌مند از آن داشت. (خسروی، ۱۳۸۹، ۶۳).

۱-۱۰- محدودیتها و تنگناهای تحقیق

شاید نتوان هیچ تحقیقی را بدون محدودیت اجرا نمود اما محدودیت هایی همچون ، کمبود منابع (چه داخلی و چه خارجی) ، پراکندگی مطالب قابل دسترسی و بروز نبودن آنها در ارتباط با تحقیق حاضر، از اهمیت بیشتری برخوردار بوده اند.

۱-۱۱- سازماندهی تحقیق

پژوهش حاضر در ۵ فصل تدوین شده است. فصل اول شامل کلیات تحقیق می باشد. در فصل دوم چارچوب نظری تحقیق بیان گردیده که به بررسی مسائلی همچون تفکیک قوا ، سیر تکوینی آن ، انواع مختلف تفکیک قوا ، بررسی اندیشه تفکیک قوا در ایران و ... می پردازیم. فصل سوم به بررسی جایگاه و وظایف قوه مقننه در جمهوری اسلامی ایران اختصاص دارد. در فصل مذکور ، ضمن بیان جایگاه نهاد قانونگذاری در ساختار قدرت جمهوری اسلامی ایران ، نقشهای تقنینی و نظارتی آن بررسی گردیده و در پایان مسائل و مشکلات فرا روی آن مورد ارزیابی و اشاره قرار می گیرد.

در فصل چهارم به بررسی نقش قوه مقننه در سیاست خارجی ایران می پردازیم. این فصل در بر دارنده مطالبی همچون بررسی ساختار و عناصر تصمیم ساز روابط خارجی در نظام جمهوری اسلامی و نقش قوه مقننه در این بین می شود. در فصل پنجم نیز ضمن مرور اجمالی فصول گذشته نتیجه گیری از تحقیق بیان شده و در پایان به ارائه پیشنهادات می پردازیم . در قسمت پایانی نیز منابع آورده می شود.

فصل دوم

مبانی نظری و تئوریک تحقیق

فصل دوم

مبانی نظری و تئوریک تحقیق

مقدمه :

قسمت اعظم فصل حاضر را بررسی و تبیین ، مفاهیم مرتبط با تفکیک قوا تشکیل می دهد. در این فصل در ابتدا مفهوم تفکیک قوا را با مراجعه به آرای صاحب نظران ، توضیح داده سپس سیر تکوینی آنرا مورد بررسی قرار می دهیم و در ادامه ، ضمن معرفی انواع مختلف آن و در واقع تجلی آن در انواع سیستم های حکومتی ، موضوع مذکور را در تاریخ معاصر ایران (مشروطه تا انقلاب اسلامی) دنبال می نماییم. در پایان فصل نیز جمع بندی مطالب ارائه خواهد شد.

۲-۱- مفهوم تفکیک قوا

تفکیک قوا، اصلی در حقوق عمومی است که بر اساس آن برای جلوگیری از استبداد، حکومت به چند قوه ی جدا از هم سپرده می شود و در این جهت کوشیده تا از تمرکز فسادانگیز و خودکامه زای قدرت، که در یک شخص یا گروه عاید می شود، جلوگیری نموده و راهکار و روشی را ارائه کند تا به وسیله ی آن شرایط تمرکز قدرت سیاسی در یدی واحد از میان رفته و حتی المقدور، امکان سوء استفاده از قدرت از بین برود. (قاضی، ۱۳۷۰، ۳۲۸). اصل تفکیک قوا در غرب، در اندیشه های افلاطون و ارسطو مطرح شده است. افلاطون در کتاب قوانین، گروه های جداگانه ای را برای وضع قانون و پاسداری از آن، امور لشکری و اداره ی شهر (انجمن شهر) و دادرسی معین کرده، اما تفکیک این امور در نظر او صورتی مقدماتی داشته است. (افلاطون، ۱۳۸۰، ۱۲).

اما ارسطو را می توان نخستین پایه گذار نظریه ی تفکیک قوا در یونان باستان نامید، او برای هر حکومت، سه گونه قدرت را می شناسد که عبارتند از: